

## عقل خواب رفته؟

«قاتل هواك بعملك، بانىروى خرد  
بجنگك نفس رفته برهوى پروز  
کرد . (علی علیه السلام)

- \* نیروهای تحلیل رفته چگونه باز میگردد ؟
- \* اسارت خرد در برابر تمایلات ؟
- \* راه پروزی عقل در چیست ؟

### نیروهای تحلیل رفته چگونه باز میگردد ؟

موجودات جاندار ؛ پس از کار و فعالیت با استراحت نیازمندند . در اثر خواب نیروهای تحلیل رفته ؛ دوباره بوجود میآید . نشاط خاصی پس از خواب ؛ در انسان پیدا میشود و همین گرمی لذت بخش است ، که دوباره ما را بتلاش و فعالیت های زندگی وامیدارد . خواب هم ، مانند سایر نیازمندی های انسان ؛ میزان کلی ندارد ، بلکه هر فردی بتناسب مزاج ؛ و وضع کار ، و برنامه زندگی اش . باید ساعات معینی را با استراحت ، و خواب پردازد . کم کردن ساعات ضروری خواب ، و یا اضافه کردن آن ، هر دو زیان آور است .

در صورت اول سلامت انسان ، تهدید می شود ، در قسمت دوم روح تن آسائی و تنبلی در آدمی پیدامی گردد ؛ خواب گرچه ضامن تجدید قوی است ؛ ولی باید از افراط در آن جلوگیری کرد چه روح اہتکار و کوشش ، جای خود را به بیماری و تن پروری خواهد داد .

بیداری زندگی است ؛ ملت های بیدار تمدنشان عالیترو درخشان تر است ؛ کشور هایی که در خواب ناز و رفته ، و از خواب گران بیدار نگشته اند ، بهمان نسبت عقب مانده و نیمه - متمدن هستند ، از آزادی و استقلال بهره کافی ندارند . از این گذشته سبک خوابی ؛ خود

موضوعی است ، که گاه بسیار سودمند واقع می گردد ، در موارد خاصی مانند زلزله ، و سیل ممکن است ، در اثر سنگینی خواب ، زبان های جبران ناپذیری متوجه انسان شود ، هشیاری در عالم خواب هم ارزنده است . افرادی بوده اند که در اثر سبک خوابی ؛ بروز حوادث را قبلا پیش بینی کرده ؛ بیدار شده ، تا حدود امکان از توجه زیان جلوگیری کرده اند . از این مقدمه چنین نتیجه میتوان گرفت ؛ که نیروهای عقلی و فکری انسان ، جز در مواقع ضرورت ، باید بحال بیداری و آماده باش باشد ؛ چه هر قدر نیروهای عقلی انسان بیدار بوده ، بکار و فعالیت مشغول باشند ، استفاده و بهره مندی ؛ کاملتر خواهد بود ، روی همین اساس وسایر جهات ؛ اسلام هر چیزی که باعث رشد و تقویت دستگاه عقل است آنرا تجویز و در مواردی هم ترغیب ؛ و تشویق کرده است ؛ و آنچه به کار گاه عقل لطمه و صدمه وارد سازد ، از نزدیکی بدان ممانعت و جلوگیری کرده است . شاید سر ممنوعیت بسیاری از محرّمات اسلامی از همین نظر بوده است چه اعتیاد و آشنائی با محرّمات ، کم کم باعث رکود عقلی شده ؛ چرخهای آنرا از گردش و حرکت باز میدارد .

### اسارت خرد در برابر تمایلات ؟

بدون شك می توان ادعا کرد که نوع زیان هایی که در زندگی فردی و اجتماعی دامنگیر انسان میگردد ؛ همه و همه در اثر تعطیل و رکود دستگاه عقلی است ؛ از باب نمونه فردی که دچار عصبانیت میشود ، و در نتیجه دست خود را بخون کسی آلوده می کند ؛ پس از بررسی ودقت چنین برآورد می شود ، که این شخص در حال ارتکاب جنایت و قتل ، دچار یک نوع رکود عقلی بوده است البته منظور این نیست که عامل اصیل در تحقق این جریان ، فقط رکود دستگاه عقلی است ، بلکه در تحقق و پیدایش این حادثه عوامل متعددی دخالت داشته ؛ ولی بدون شك یکی از آنها که عامل اصلی شمرده میشود ، خواب رفتن دستگاه عقلی است . در چنین شرائطی اگر عقل انسان بیدار مانده بود ؛ می توانست جوانب کار ، و نتایج مترتبه آنرا ، در نظر گیرد فریب تسویلات نفسانی را نخورده ، با قدرت و توانائی در برابر تمایلات ناروا و غلط ایستادگی کند ؛ و در نتیجه خود را از سقوط بازدارد اسکن در مقدونی در جنگهای بزرگی شرکت کرد ، سر داران نا دار را در میدانها بخاک و خون کشانید ، کشورهای پهناوری را فتح کرد . تاریخ او را بعنوان فاتح بزرگ یاد می کند . ولی با همه این قدرتها این سردار مقتدر در میدان جنگ نفس و عقل ، شکست خورد ، در موقعی که از باده غرور سرمست بود بکاری دست زد که سر انجامش ، پشیمانی بود .

\* \* \*

### راه پیروزی عقل در چیست

شاید عده‌ای چنین پندارند که زائل کننده عقل انسان ، فقط مشروبات الکلی است ؛ و حال آنکه پس از مطالعه عمیق بدست می‌آید که هر تمایل غلط و ناروا ؛ آدمی را دچار یک نوع بیهوشی و مستی می‌نماید .

و بدیهی است که گاه از اوقات در اثر تمایلات افراطی ، از قبیل حب جاه ، و مقام ؛ پول پرستی ، شهوترانی ، انسان دچار بیهوشی خاصی میگردد ، که بمراتب شدیدتر ؛ از بیهوشی‌های حاصله ؛ از شراب خواری است .

ممکن است برخی افراد ؛ سالیان درازی دچار این نوع رکود عقلی باشند و در اثر غفلت و نادانی ، خود را هشیار و بیدار بدانند پس میتوان چنین نتیجه گرفت ؛ اثری که در دستگاه عقل انسان بوسیله بهره برداری از نوشابه‌های ممنوع بجای میماند ؛ مشابه آن شدیدتر و قوی‌تر ؛ در اثر دارا بودن تمایلات غیر اعتدالی ؛ در ما بوجود می‌آید .

علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود ؛ سخن را متوجه افرادی می‌کند که دچار انحرافات روحی بوده خواسته‌های خویش را تعدیل ننموده ؛ در بر آوردن آنها می‌کوشیدند ، چنین میفرماید : «تسکرون من غیر شراب» ای مردم شما بدون اینکه شرابی نوشیده باشید ، مست و لایعقل هستید ، تمایلات ناروا ایده و آرزوهای بی‌حد و حصر ؛ شما را در بیهوشی خطرناکی فرو برده است بخوابی سخت و گران فرو رفته‌اید ؛ که هشیاری و بیداری از آن دشوار مینماید ؛ گرفتار هوی و هوس هستید و همین اشتباه‌های کاذب ؛ چشم عقل شما را کور کرده ؛ دل‌های شما را میرانده است ، چرخهای خرد شما از گردش باز ایستاده است . در موردی دیگر فرماید : «الامل یسهی العقل» آرزوهای کاذب و پای بند بودن به

تمایلات غیر اعتدالی ؛ چراغ عقل را تیره و تار می‌سازد ، دستگاه بینش آدمی نمی‌تواند ؛ بکار خود بپردازد ؛ وزشت و زیبارا از یکدیگر جدا سازد ؛ و راه و بیراهه را تشخیص دهد ؛ خطرناکترین مرحله انسان موقعی است که ؛ نیروی تشخیص خود را از دست داده باشد ؛ در این هنگام بدبختی‌های جبران ناپذیر بطرف آدمی سرازیر میگردد ، در نتیجه نمونه کامل انحطاط انسان آشکار میگردد ، و عقب ماندگی آدمیزاد از حیوان روشن میگردد ، چه بسیاری از حیوانات با عقل فطری نفع و زیان خود را می‌یابند ؛ و از آن اجتناب می‌کنند ؛ و این انسان است که از پاداه شهوت و غرور سرمست شده ، نیروی تشخیص و ادراک زشت و زیبا را

از دست میدهد؛ بزرگترین ضربه که استعمارگران بملل عقب مانده وارد می‌آورند اینست که رشد فکری و روحی آنانرا متوقف میگردانند و در نتیجه چنین کشورهایی نیروی تشخیص را از دست میدهند و سالیان درازی از درک مسائل حیاتی و اساسی محروم و عاجز میمانند، کشورهای که استقلال خود را باز میگیرند؛ در درجه اول رشد سیاسی پیدا کرده؛ مصالح و منافع خود را درک می‌کنند؛ و برای تحصیل آن بمبارزه می‌پردازند؛ هنگام بیداری و هشیاری ملت‌ها استعمار بزانو در می‌آید. انسان هم در موقه‌ای که دچار تمایلات ناروا گردد؛ آزادی انسانی از او سلب میشود، یک نوع اسارت و بندگی در خود احساس میکند، در برابر خواسته‌های کاذب؛ خویش را ذلیل و عاجز در می‌یابد؛ حاضر است بهر عمل زشت و ناروایی تن در دهد. براه تاریکی در می‌افتد که راهنمای آن حس شهوت؛ و سرانجام آن حسرت و پشیمانی است.

نتیجه‌ای که از این موضوع میتوان بدست آورد، اینست که باید تمایلات خود را در برابر منطق عقل و دین مورد بررسی قرار دهیم، آنچه را که وجدان و فطرت انجام آنرا تصویب نمی‌کند، از تحصیل و بر آوردن آن خودداری کنیم؛ تا باین وسیله تمایلات انسانی ما تعدیل گردد، و خواسته‌های ما از میزان ضروری و لازم تجاوز نکنند؛ تا گرفتار عواقب شوم، رکود عقلی نگشته، از آفات آن برکنار بوده باشیم.

## با این مقیاس خود را امتحان کنید

حضرت صادق (ع) فرمودند: «پنجمبر عالیقدر اسلام دارای اخلاق و اوصاف نیک بود. شما خودتان را آزمایش کنید اگر دارای این اخلاق هستید خدا را شکر کنید و گرنه در مقام تحصیل آنها برآئید و آن اخلاق اینست: یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت، و مردانگی.»

(نیل از وسائل الشیعه، ج ۲)